

تکثرگرایی، ادعایا و واقعیت

محمد مجرم

به نظر می‌رسد که گروه‌ها و جناح‌های داخلی ایران هیچ اختلاف زیربنایی باهم ندارند و اختلاف آنها اغلب روبنایی و سطحی است. از این رو مادر جامعه ایران شاهد یک «پلورالیسم تک بعدی» هستیم.

چنانکه تئوری پردازان چپ مدرن قانون اساسی را بی‌عیب و نقص و تنها ضامن دموکراسی و آزادی گروه‌هایی دانند و معتقدند که التزام عملی به قانون اساسی مبنای پذیرش حقوق و آزادی افراد و گروه‌های سیاسی، فارغ از هرگونه گرایش فکری است و تعیین کننده حدود و دایره دموکراسی و آزادی، قانون اساسی است. (۴)

هم چنین در جایی دیگر یادآوری می‌کنند که «خط کلی احزاب بایستی بر خدمت نظام باشد و در آن انحرافی راه پیدا نکند. اگر انحرافی داشته باشد ولی فقیه می‌تواند به راحتی این انحراف را برطرف کند». (۵)

امادو ایراد اساسی به این اندیشه وارد است: نخست آنکه برخی طیف‌های فکری دوگانگی در برداشت از قانون اساسی را مهم‌ترین مانع توسعه سیاسی می‌دانند و خواهان بازنگری و حتی تغییر آن می‌باشند. در این دسته بندی تئوری پردازان چپ مدرن قرار نمی‌گیرند و از فعالیت سیاسی طرد می‌شوند.

از طرف دیگر اگر برخی از احزاب و گروه‌ها بخوانند خارج از برنام‌های رسمی و دیگته شده سیستم کار کنند و فعالیت داشته باشند بایستی با آنها برخورد شود.

موضوع دیگری که قابل ذکر است این نکته

یعنی اینکه قدرت سیاسی به صورت رودخانه‌ای با شعب گوناگون توزیع می‌گردد تا گروه‌های مختلف به میزان محبوبیت و اعتباری که نزد مردم دارند از آب این رودخانه بهره‌مند شوند. این شیوه توزیع قدرت سیاسی را توزیع انشعابی می‌نامیم که در مقابل توزیع خطی قدرت سیاسی قرار می‌گیرد که در آن عده‌ای خاص و با عدم محدودیت زمانی و مکانی برای مدت مدیدی قدرت سیاسی را در زیردای خویش قبضه می‌کنند.

به طور کلی می‌توان ویژگی اصلی جامعه سیاسی تکثرگرا را در قوت نهادها و موسسات جامعه مدنی، وجود رابطه‌ای اندام وار میان این نهادها و ساخت قدرت، امکان دست به دست شدن قدرت سیاسی به طور منظم میان گروه‌های برگزیده، ضعف زمینه‌های بسیج توده‌ها و گرایش به سوی غیرایدئولوژیک شدن زندگی سیاسی خلاصه کرد (۶) و اما صحبت از کثرت گرایی قدرت سیاسی در ایران تاچه حد می‌تواند عاقلانه و مبتنی بر آگاهی باشد؟

ایده کثرت گرایی با ورود چپ‌های مدرن (گروه‌های دوم خرداندی) به صحنه رقابت سیاسی در ایران عملاً مطرح شد. رهبران دوم خرداندی می‌گویند:

«چشم خود را بکشایید. انواع و اقسام دسته‌های گوناگون احزاب مختلف و رنگارنگ در وینترین سیاسی بهترین نمونه وجود تکثرگرایی در بافت قدرت در جامعه ما است. اما این مدعا تاچه حد پذیرفتنی است؟

ادبیات سیاسی ما، امروزه انباشته از لغات و اصطلاحاتی گردیده است که نه تعریفی درست و دقیق دارند و نه مصداقی بی‌عیب و نقص. از جمله این مسایل ورود انبوهی از لغات مبهم، و کشفیات عجیب و غریبی است که در ادبیات سیاسی ما به چشم می‌خورند.

برای این که بحث را روشن تر کنیم و روزنه‌ای ضعیف و هر چند کوچک به روی روشنایی بگشاییم ابتدا به بحث تکثرگرایی در قدرت سیاسی اشاره می‌کنیم. آن گاه دروازه را فراخ تر می‌کنیم و به کاوش در این مساله می‌پردازیم که آیا جامعه سیاسی کنونی ایران تکثرپر دار هست یا نه و آیا وجود احزاب، دسته‌جات و گروه‌ها و اصناف گوناگون موجود را می‌توان سندی بر ادعای تکثرگرایی برشمرد یا خیر؟

کثرت گرایی یا پلورالیسم (Pluralism) ریشه‌ای فلسفی دارد و بر این نگرش استوار است که کثرت بر وحدت برتری دارد. زیرا اصولاً ساخت جهان، ساختی تکثرگرایانه است (۱)

واژه کثرت گرایی زمانی که با سیاست جمع می‌شود سعی در بررسی رابطه قدرت دولتی با گروه‌ها و نیروهای اجتماعی دارد. تکثر و تنوع منابع قدرت فرض اول دیدگاه پلورالیستی است. قدرت سیاسی فرایند پهلایان ناپذیر رقابت و سازش میان نیروهای مختلفی است که نماینده علایق و منافع اجتماعی گوناگونی مانند گروه‌های صنعتی، تجاری، جنبش‌های کارگری و گروه‌بندی‌های مذهبی و قومی و غیره هستند. (۲)

منابع و ماخذ:

- ۱- قادری، حاتم: اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، ص ۲۱
- ۲- بشیریه، حسین: جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۶۵
- ۳- بشیریه، حسین: ماخذ پیشین، ص ۲۳۹-۲۳۸
- ۴- آرمین، محسن: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و تحلیل عرصه سیاسی کشور، راه نو، سال اول، شماره اول، (۱۴ شهریور ماه ۱۳۷۷)، ص ۲۰
- ۵- سلامتی، محمد: میزگرد کارکرد و جایگاه احزاب در جمهوری اسلامی ایران، روزنامه کیهان (۲۴ بهمن ماه ۱۳۷۵)، ص ۱۲
- ۶- همشهری ماه، مقاله پایان عصر ما، شماره ۱۰، (شنبه ۸ دی ماه ۱۳۸۰)، ص ۷
- ۷- ظریفی نیا، حمیدرضا: کالبدشکافی جناح‌های سیاسی در ایران، انتشارات آزادی اندیشه، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴

آینده‌ای بسیار نزدیک بدل به محافظه کارانی سخت و بی نظیر خواهند شد. در واقع با این تقسیم بندی‌ها عملاً بسیاری از نیروهای نوگرا، دموکرات‌ها و ملی‌گرایان و عناصر مخالف آراء اینان غیر خودی فرض می‌شوند و از حق و حقوق فعالیت سیاسی برخوردار نمی‌باشند.

به راستی آیا تئوری پردازان از ان طیف چپ مدرن واقعاً به درک مفهوم کثرت‌گرایی سیاسی رسیده‌اند یا این که کثرت‌گرایی سیاسی از دید آنان باز هم از همان بازی‌های همیشگی برای به‌تمسخر گرفتن واژگان سیاسی می‌باشد.

به این دلیل ما به جای جامعه مدنی با اجتماع مدنی مواجه هستیم که شعار وحدت در اصول، کثرت در عمل موبد این مطلب است. و جریان‌های درون نظام استراتژی (مبارزه در درون حاکمیت) را به تدریج به اصول مبارزه در چهارچوب تعیین شده حاکمیت تبدیل کرده‌اند (۷)

نیک باشی و بدت گوید خلق
به که بد باشنی و نیکت بینند

گلستان سعدی

می‌باشد که طرح میحث گروه‌های خودی و غیر خودی برای اولین بار در نشریه عصر ما (ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) مطرح شد. بر اساس تحلیل این نشریه از تکتور و رقابت نیروهای وفادار به نظام جمهوری اسلامی نباید در هراس بود، چرا که هر چهار جناحی که این نشریه رده بندی کرده است در یک نقطه به یکدیگر می‌رسند و آن هویتی تاریخی به نام جمهوری اسلامی ایران با علائم مشخص و ممیزه‌ای چون رهبری حضرت امام خمینی، ولایت فقیه و قانون اساسی است.

بدیهی است که کلیه نیروهای سیاسی دیگر اعم از مخالفان که اصول را قبول ندارند و محاربان که با اصول فوق می‌جنگند غیر خودی محسوب می‌شوند. (۶)

آنچه مشخص است این است که گروه‌های چپ مدرن، دموکراسی را برای عده‌ای محدود و آن هم در چهارچوب نظام می‌خواهند که این خصلت بعدها رنگ محافظه کارانه شدیدی به خود خواهد گرفت و مدعیان اصلاح طلبی فعلی در





مجله‌های زنان مسخری است
مجله‌های زنان مسخری است
مجله‌های زنان مسخری است



















